

**نگاهی به گذشته در امروز**

نوشیروان کیهانی زاده

**سالروز امضای مگنا کارتا (فرمان بزرگ آزادی‌ها)**

امروز سالروز امضای فرمان مگنا کارتا (فرمان بزرگ آزادی‌ها) است و کینگ جان پادشاه وقت انگلستان زیر فشار بزرگان کشور و انزال‌های ارزش آن را در ۱۵ ژوئن سال ۱۲۱۵ میلادی امضا و مهر کرد که آغاز پیدایش حکومت پارلمانی در جهان است و حکومتی را پارلمانی گویند که انتخاب رئیس قوه مجریه توسط پارلمان به عمل آید نه مستقیماً از سوی مردم و در این نوع دموکراسی، قوای اجرایی و مقننه کشور در دست حزب اکثریت یا ائتلافی از احزاب همسگون است. اگر دولت ائتلافی باشد دموکراتیک‌تر و چندصدایی است، زیرا حتی با خروج کوچک‌ترین حزب از ائتلاف، دولت از هم می‌پاشد و بنابراین مجبور است به همه نظرات توجه داشته باشد. البته پیش از انگلستان، یک «کشور شهر» در ایتالیا هم دارای حکومت پارلمانی شده بود. «مگنا کارتا» که در آن زمان پیمان سازشی میان پادشاه و بزرگان انگلستان و شامل ۶۳ عبارت بود در اصل به منظور جلوگیری از خودسری «کینگ» تنظیم شده بود، ولی در آن پایان دادن به فساداداری تأکید و مجازات بدون محاکمه، محاکمه بدون حضور هیات منصفه، مصدوره فرافرونی اموال و توقیف غیرقضایی افراد و وضع مالیات و عوارض بدون حضور و رای نمایندگان مالیات‌دهندگان منع شده بود که پایه حاکمیت ملت، قانونمندی امور و عدالت قرار گرفت و مورخان آن را یکی از عوامل برتری یافتن اروپا خوانده‌اند.

**حامی و پرتوی حقوق اتباع**

«فلسفه حق» تالیف هگل ۱۴ ژوئن ۱۸۲۱ در شهر برلن انتشار یافت. «هگل» ضمن برشمردن حقوق یک انسان که نباید مورد تجاوز قرارگیرد یا محدود شود تأکید کرده است که «ولیس کشور» حامی و نگهبان حقوق اتباع است و او است که باید بکوشد قوای حکومتی منفک از هم عمل کند. به تأکید هگل، هرگونه اصلاحات در یک جامعه باید از دادگستری(دستگاه قضایی) آغاز شود و بدون داشتن یک سازمان قضایی بی‌عیب و نقص، تحول و پیشرفت در یک جامعه تحقق نخواهد یافت و خیال‌اتبع از کسناد و قانون‌شکنی آسوده نخواهد شد و احساس حفظ حق، امنیت، و دفع تعدی و اجحاف نخواهند کرد. «هگل» انقلاب و عصیان را واکنش طبیعی انسان به نقض حق خود می‌داند و …

**از استقرار نظامی امریکا در گوانتانامو (کوبا) ۱۱۰ سال گذشت**

۱۲ ژوئن سال ۱۸۹۸ چند واحد از سپاه تفنگداران دریایی امریکا (تئوری دربردار) در خلیج گوانتانامو در کوبا مستقر شدند که هنوز در این منطقه باقی هستند. این واحدها یازدهم ژوئن ۱۹۰۸ در خلیج گوانتانامو پیاده شده بودند تا اسپانیایی‌ها را از کوبا برانند و سپس به وطن خود بازگردند. اسپانیا کوبا را از ۱۴۹۲ که کریستف کلمب در نخستین سفر دریایی خود به ناره امریکا به این جزیره رسید از آن خود می‌دانست و در طول چهار قرن و اندی مالکیت، مهاجران فراوان به آنجا فرستاده بود که همچنان به زبان اسپانیایی تکلم می‌کنند، فرهنگ اسپانیایی دارند و کاتولیک مذهب‌اند. با وجود خروج اسپانیا از کوبا، دولت امریکا پایگاه خود در گوانتانامو را(البته با پرداخت اجاره آن به دولت کوبا) همچنان حفظ کرده و از سال ۲۰۰۲ آن را به بازداشتگاه مظنونان به تروریسم و همکاران با الفاعله میدل ساخته است. ۱۲ ژوئن ۲۰۰۸ (پریروز) دیوان عالی امریکا ضمن رسیدگی به دادخواست یک وکیل قضایی رای داد که بازداشت‌شدگان گوانتانامو هم می‌توانند از حق که قانون اساسی امریکا برای هر زندانی قائل شده است استفاده کنند و به یک دادگاه غیرنظامی امریکا عرض احد دهند و نسبت به توقیف خود اعتراض کنند. مفسران رسانه‌ها این حکم غیرمنتظره را شکستی دیگر برای حکومت جرج دبلیو بوش به شمار آورده‌اند زیرا هفت قاضی از ۹ قاضی دیوان عالی که تنها در تن آن آنان رسماً منته شده بودند و توقیف دیگران تنها به دلیل «مسوطن» بود. مطبوعات وقت نوشته بودند که این نوع بازداشت، در سطح جهان صدای انتقادات را بلند کرده است زیرا معیار این دادسی است.

**ازبک‌های شیبانی و مهاجرت به «فرارود»**

ازبک‌ها در ژوئن ۱۴۶۸ از قزاق‌ها (کزاق‌ها) جدا شدند و بلافاصله خودشان هم تشعب کردند و گروهی از آنان که از آبان «شیبان» نوه چنگیز مغول بودند از گروه دسته دیگر که خود را از تبار دو نوه دیگر چنگیز به نام‌های «باتو» و «اوردا» می‌دانستند مجزأ شده و راه مناطق جنوبی‌تر و کناره‌های آمودریا (جیحون) را در پرتی گرفتند. ذری نگذشت‌های این گروه ازبک شهرهای ایرانی بخارا، سمرقند، مرو و … در تصرف شدند، به برای تیموریان نشستند و بعداً محمدخان شیبانی یکی از سران آنان از آمودریا هم گذشت و تا هرات پیش آمد که شاه اسماعیل صفوی در سال ۱۵۱۰ میلادی به جلگه‌ی زری می‌ناشت. در جنگی که میان دو طرف روی داد ازبک‌های شیبانی شکست خوردند و محمدخان کشته شد. شاه اسماعیل از جمجمه او برای خود کاسه‌ی بی روشک نقره ساخت. هدف او از این کار، ایجاد ترس در ازبک‌ها بود که دوباره درصدد تعرض برنایند. ولی این شکست باعث نشد ازبک‌ها بعداً و بعدها مزاحم نشوند. آنان در هر فرصتی که به دست می‌آوردند از آمودریا می‌گذشتند و وارد مناطق جنوبی این روز می‌شدند. ازبک‌های ساکن شمالی افغانستان امروز بقایای همان‌ها هستند. امپراتوری روسیه که قفقاز جنوبی را در سال ۱۸۲۸ در دو جنگ طولانی با ایران، از دست می‌داد کرده (و با انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمنچای به میانجیگری انگلستان) از آن خود ساخته بود در سال‌های ۱۸۶۸ و ۱۸۸۱ آسیای میانه را هم که مهد فرهنگ و ادبیات پارسی بوده است (پس از ساخت و پاخت با مقامات لندن) از وطن ما جدا ساخت و ضمیمه قلمرو خود کرد که از آخرین دهه قرن بیستم به صورت چند کشور استقلال یافته‌اند. با وجود این، ده‌ها میلیون تاجیک (پارس) فرارود زبان و فرهنگ ایرانی خود را حفظ کرده و به گسترش آن پرداخته‌اند.

www.iranianshistoryonthisday.com

آنچه مرا به نوشتن این سطور واداشت گفت‌وگوی مفصل محمد صادقی با یوخن هپلر بود که زیر عنوان معیار دموکراسی در مقام مقاله اصلی در صفحه نخست اعتماد شماره ۱۲ خرداد جای گرفته بود. در این گفت‌وگو این استاد آلمانی علوم سیاسی و پژوهشگر توسعه و صلح با تعجب می‌پرسد چرا اینقدر به پروفسور هانتینگتون می‌پردازد که دیدگاهش درباره برخورد تمدن‌ها بیشتر سیاسی است تا علمی و تحلیلی، و سپس با تأکید بر آسیایی بودن آمارتیا سن برنده جایزه نوبل از کتاب هانتینگتون بهتر است باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. « نکه از این لحاظ برابم جالب بود که هنگام خواندن آن مقاله کتاب آمارتیا سن را زیر عنوان هویت و خشونت که آن را پسرم به‌تازگی برابم فرستاده و آن را در دست ترجمه دارم در مقابل دیدگان خود داشتم!

دست است که او برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۸ ر رشته اقتصاد شد، اما به عنوان فیلسوف و متفکری بزرگ نیز در جهان روشنفکری از منزلی بالا برخوردار است. در روزنامه اعتماد مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۷ (صفحه ۱۴) نیز مقاله مفصلی به قلم دکتر حسین راغفر زیر عنوان آزادی‌های سیاسی و فرصت‌های مطلوب منتشر شده بود که نشان می‌دهد محافل روشنفکری و آکادمیک ایران با این شخصیت مهم روزگار ما بیگانه نیستند. جا دارد خوانندگان علاقه‌مند ایرانی بیشتر با او و افکارش آشنا شوند.

آمارتیا سن که برای نقش نظام‌ها در احترام به هویت‌های فردی به عنوان معیاری بر آرامش و مودت یا برآصر بر تحکیم هویتی یکسنگر، که آغازگر درگیری‌های بعدی درونی و بیرونی در جوامع می‌شود، اهمیت بسزا قائل است، می‌گوید نخستین بار در یازده‌سالگی با کشتار مواجه شد. رهبری آشوب‌های هندو–مسلمان را، که ناگهان در دهه ۱۹۴۰ در هند بریتانیا فوران کرد، در هر دو سو تحریک‌کنندگانی برعهده داشتند. یک روز صبح هنگامی که در باغ خانه‌اش در داکا مشغول بازی بود، ناگهان در به شدت خونین وارد شد و تقاضای کمک کرد. پدر آمارتیا او را با شتاب به بیمارستان رساند، اما آن مرد جان به در نبرد.

آن قربانی که قادر همسرش را از کارگر روزمزد مسلمان فقیری بود که میسرما از او خواسته بود طی این آشوب‌ها از خانه بیرون نرود. اما خانواده‌اش چیزی برای خوردن نداشت، و میا به آمارتیای نوجوان گفت برای کسب اندک درآمدی ناچار بود بیرون برود. آمدکشان فرقه‌گر که در باره او جز مذهبش هیچ شناختی نداشتند او را با چاقو زدند.

در آن آشوب‌ها بیشتر قربانیان–چه هندوها و چه مسلمان‌ها–کارگران فقیر و خانواده‌هایشان بودند. با

# هویت و خشونت از دیدگاه آمارتیا سن

فردین مجلسی

اینکه آن قربانیان متعلق به جوامع متفاوت بودند، هویت طبقاتی‌شان بسیار شبیه بود. اما آن دنیای خونریز با آن طبقه‌بندی یکسنگر مجاز نبود چیزی جز هویت مذهبی را به حساب آورد. سن در کتاب خود به این بحث می‌پردازد که امروزه به خاطر فریب یا توهمی درباره یگانگی هویت، حمایت از برخورد و خشونت کمتر از گذشته نیست.

در واقع، جهان با نادیده‌انگاشتن رابطه یا دیگر راه‌هایی که مردم خود را در آن درگیر طبقه، جنسیت، حرفه، زبان، ادبیات، علوم، موسیقی، اخلاقیات یا سیاست‌ها می‌بینند، به طوری فرایضد به عنوان فدراسیونی فرض می‌شود که متشکل از مذاهب (یا «فرهنگ‌ها» یا «تمدن‌ها») تلاش‌های جهانی برای متوقف کردن چنین خشونت‌ی نیز در اثر اغشاش‌های صورتی شده است. پیش‌فرض هویتی یگانه است و ناگزیر دچار اشکال است. وقتی روابط میان انسان‌های گوناگون با معیاری چون «ببرخورد تمدن‌ها» یا با بدلیجی چون «مودت میان تمدن‌ها» سنجیده می‌شود، انسان‌ها مینیان‌توزیه یا ریزنقش می‌شوند و آنها را در مسخ باید آری باشد، زیرا غالباً به گونه‌های کوچک‌کنار می‌گذرانند. سن از طریق پژوهش عمیق خود درباره موضوعات گوناگونی چون چندفرهنگی، تروریسم و هوشیارانه‌یی در باره آزادی بشر و موثر بودن ندای علنی سازنده‌یی در جامعه مدنی جهانی با داشتن دوستانی مانند خود، نیاز به هیچ دشمنی ندارم. از آنجا که مسیر این افکار مدتی وقت گرفت، ماسور اداره مهاجرت می‌خواست دقیقاً بدانند چرا مردد بودم، و به‌ویژه اینکه آیا در باب حضورم در بریتانیا به نوعی تخلفی صورت گرفته بود! باری، آن مساله هونجام حاصل شد، اما در واقع آن گفت‌وگو یادآور این است که هویت می‌تواند موضوع پیچیده‌یی باشد. . .



به همان استواری که اخیراً به سوی خشونت و جنگ توره کشیده است، می‌توان به سوی صلح هدایت کرد. در شمار دیگر آثار آمارتیا سن از کتاب‌های اخلاق و اقتصاد، توسعه در مقام آزادی و هند جدلی می‌توان

## نگاه نخستین

نادر شهریوری (صدقی)

می‌بنند، راه تجدید و بازسازی دوباره تجربه نقد علم و هنر جهانی نگاه می‌کنیم، دچار شور و شوق توأم با حیرت می‌شویم. این شور و شوق بر اثر تکرار در دیدن کم‌رنگ شده و بعد از مدتی آن جذابیت اولیه را از دست می‌دهد، تکرار در دیدن به عادت تبدیل می‌شود و عادت در آدمی مانع از حظ، شوک و برداشت اولیه می‌شود. هر گاه دیدن هر چیزی برای اولین بار انجام می‌گردد و هر بار با دیدن آن چیز به وجد می‌آمدیم یا حداقل اگر آن چیز به وجدآمدنی نبود، دچار حیرت می‌شدیم بی‌تردید جهان‌طور دیگری بر ما پدیدار می‌شد.

مردم «نگاه نخستین» در پدیدارشناسی اهمیت خاصی دارند. در واقع در «نگاه نخستین» انسان به کشیابیی می‌رسد و تجربه زیستی را درک می‌کند که سپس بر اثر مرور و غلبه چارچوب‌های پیش آمده و انتزاع بر آن دیگر آن تجربه اعاده نمی‌شود. در اینجا آنچه به خصوص مانعت می‌کند از آن تجربه ملموس و زندهٔ آدمی، علم و دانش و به نحو پستی جهان‌توریک است. به عبارت دیگر در جهان‌توریک کس در لابه لاهای فاکت‌ها و فریضات و تئوری‌ها گم می‌شود و آنچه به خصوص به این روند انتزاعی کمک کرده است گسترش علوم مدرن به‌طور کلی است. یعنی علوم‌ی مانند فیزیک یا ریاضیات و به‌طریق اولی دیدگاه‌هایی مانند پوزیتیویسم که به انسان به صورت ترکیبی فیزیکی، شیمیایی نگاه می‌کنند و در نتیجه در دور کردن انسان از تجربه زیسته نقش اساسی بازی می‌کنند و این روند به خصوص در یک دور قرن اخیر شتابیادار بوده است. علاوه بر این کار دیگری… . که پوزیتیویسم می‌کند این است که از میان مجموعه شناخت‌هایی که ما می‌توانیم داشته باشیم، یکی از انواع آن شناخت را ممتاز می‌کند و کل شناخت را تابع آن می‌گرداند و آن شناخت علمی است. پرچم پوزیتیویسم شناخت علمی است. مثلاً اگر از یک پوزیتیویست سوال شود که عین، ابژه یا شیء چیست برای شیء یک جایگاه طبیعی قائل می‌شود اما مساله این است که چرا باید از میان اشیای جهان شیء طبیعی را ممتاز کنیم و بقیه اشیای جهان را با نظری تحقیرآمیز نگاه کنیم. این یک امتیازبخشی زائد و بیهوده است. . . چرا بژه را به گونه‌یی صورت‌بندی نکنیم که تمامی این محتواها را در خود جای دهد. . . (سفرخرانی دکتر عبدالکریم رشیدیان تحت عنوان هوسرل و پدیده‌شناس دکتر باعث نشد ازبک‌ها بعداً و بعدها مزاحم نشوند.

آنان در هر فرصتی که به دست می‌آوردند از آمودریا می‌گذشتند و وارد مناطق جنوبی این روز می‌شدند. ازبک‌های ساکن شمالی افغانستان امروز بقایای همان‌ها هستند. امپراتوری روسیه که قفقاز جنوبی را در سال ۱۸۲۸ در دو جنگ طولانی با ایران، از دست می‌داد کرده (و با انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمنچای به میانجیگری انگلستان) از آن خود ساخته بود در سال‌های ۱۸۶۸ و ۱۸۸۱ آسیای میانه را هم که مهد فرهنگ و ادبیات پارسی بوده است (پس از ساخت و پاخت با مقامات لندن) از وطن ما جدا ساخت و ضمیمه قلمرو خود کرد که از آخرین دهه قرن بیستم به صورت چند کشور استقلال یافته‌اند. با وجود این، ده‌ها میلیون تاجیک (پارس) فرارود زبان و فرهنگ ایرانی خود را حفظ کرده و به گسترش آن پرداخته‌اند.

نام برد. همان‌طور که اشاره شد در سال ۱۹۹۸ برنده جایزه نوبل در اقتصاد شد. سن اکنون استاد دانشکده لا مونت در دانشگاه هاروارد است، و او پیشتر مدیر ترینتی کالج در کمبریج انگلستان بوده است. با این معرفی مختصر، برای درک بهتر نقش هویت در داوری لیا در پیش‌داوری!]

دربره افراد جالب است اگر داستان گوناگویی را از زبان خود او تکرار کنم که او در آغاز کتابش آورده است: «چند سال پیش هنگامی که از سفری کوتاه به انگلستان بازمی‌گشتم (در آن زمان مدیر ترینتی کالج در کمبریج بودم)، مامور مهاجرت در دروازه‌گاه هیشرو، که گذرنامه هندی مرا تقریباً به‌طور کامل بررسی می‌کرد، پرسش فیلسوفانه‌یی مطرح کرد که نوعی پیچیدگی داشت. در حالی که در برگه اداره مهاجرت به نشانی خنثی من

می‌نگریست (ترتیب کالج، کمبریج، منزل مدیر)، پرسید (که با این مدیر، که ظاهراً از میهمان‌نوازی او برخوردار هستیید، از دوستان نزدیک شما است. «این پرسش اصراً بر تحکیم خشونت در اثر پروازندن احساسی از روی‌هم رفته برابم روشن نبود

که آیا می‌توانستم ادعا کنم از دوستان خودم باشم! با قدری فکر به این نتیجه رسیدم که پاسخ باید آری باشد، زیرا غالباً نسبت به خودم فراتری به اندازه کافی دوستانه دارم، و به‌علاوه وقتی حرف‌های احمقانه می‌زنم، بی‌درنگ می‌توانم دریابم یا داشتن دوستانی مانند خودم، نیاز به هیچ دشمنی ندارم. از آنجا که مسیر این افکار مدتی وقت گرفت، ماسور اداره مهاجرت می‌خواست دقیقاً بدانند چرا مردد بودم، و به‌ویژه اینکه آیا در باب حضورم در بریتانیا به نوعی تخلفی صورت گرفته بود! باری، آن مساله هونجام حاصل شد، اما در واقع آن گفت‌وگو یادآور این است که هویت می‌تواند موضوع پیچیده‌یی باشد. . .

پیش‌داوری شبیه به این داستان را که افسر مهاجرت انگلیسی اصل را بر این می‌گذارد که «یک هندی به هر حال نمی‌تواند مدیر ترینتی کالج کمبریج باشد، شاید دوست و میهمان او باشد، ولی اصولاً باید آدم مشکوکی باشد!» بسیاری از ما ایرانیان نیز در سفرهای خارج، هنگامی که گذرنامه‌های خود را رو می‌کنیم و با رفتاری متفاوت مواجه می‌شویم تجربه کرده‌ایم. این درحالی است که حتی نمونه‌یی از آن بدکاری‌های انشایی که از هوش‌نندان کشورهای دوستشان دیده شده از ایرانیان ندیده‌ا!د! باری، سن در ادامه می‌گوید: «وقایع خشونت‌بار و شرارت‌های چند سال گذشته به دورانی انجامیده است آمیخته از پریشانی هولناک و درگیری‌های وحشتناک. سیاست مقابله جهانی غالباً به عنوان تابعی از اختلافات مذهبی و فرهنگی در جهان تلقی می‌شود. در واقع، جهان به طوری فرایضد، هرچند تلویحاً، به عنوان فدراسیونی از مذاهب یا از تمدن‌ها به نظر می‌رسد و در نتیجه همه راه‌های دیگری را که مردم از آن طریق ناظر خود باشند نادیده می‌گیرد. این خط‌فکری متضمن این فرض عجیب است که مردم جهان را فقط بر پایه نوعی سامانه یا سیستم تفکیکی انحصاری و فراگیر می‌توان دسته‌بندی کرد». جلداسازی تمدنی یا مذهبی مردم هوشیارانه‌یی در برابم بود. «هنر وادگانه» به هویت بشر می‌شود، که انسان‌ها را صرفاً به عنوان اعضای یک گروه می‌نگرد (که برخلاف گذشته که متکی بر ملیت و طبقات بود در این مورد با تمدن یا مذهب مشخص می‌شود)

« . . . بنابراین، محور اصلی در هدایت یک زندگی انسانی عبارت است از مسولیت‌های گزینش و برهان. موجب شد کمکی شوم نیز در تحکیم خشونت در اثر پروازندن احساسی از چاره‌ناپذیری یا بداهت هویتی انحصاری– و غالباً متخاصم– حاصل می‌شود که تصور می‌رود باید از آن برخوردار باشیم و الزاماً توقعات گسترده‌یی را (گاهی در انواع بسیار نامقبول) به ما تحمیل می‌کند. تحمیل هویتی علناً انحصاری یا تکراره غالباً مایه اصلی آن «هنر سئیزه‌جویی» است که برانگیزنده اختلاف فریب است. «بدبختانه، بسیاری از تلاش‌هایی که با حسن نیت برای بازداشتن چنین خشونت‌ی به کار می‌رود به نوبه خود با نبود محسوس گزینش درباره هویت‌هایمان عقیم می‌ماند و این امر می‌تواند به توانمندی ما در غلبه بر خشونت جداً آسیب برساند. وقتی چشم‌اندازهای رابط خوب در میان انسان‌های متفاوت در درجه نخست به معنی «دوستی میان تمدن‌ها» یا «گفت‌وگو میان گروه‌های مذهبی» یا «رابط و دوستانه میان جوامع متفاوت»(با نادیده گرفتن راه‌های بسیار متفاوتی که مردم بدان طرق یا یکدیگر مربوط می‌شوند) مشهود باشد (که به طوری فرایضد چنین است)، تلاشی جدی در مینیان‌توزیه کردن یا ریزسازنی انسان‌ها از تدابیر و برنامه‌های تدارک‌آورنده برای صلح پیشی می‌گیرد. «

می‌شود رفتار آدمی را پیش‌بینی و تعدیل کرد و کاملاً نواقص روان انسانی علت و دلیل دارد و آنها با سروس‌مجدد، راه‌اندازی شده و به حالت اولیه و به عنوان شیء قابل استفاده بازمی‌گردند. سن در حالی‌که انسان اساساً با تئوری و برنامه‌ریزی ماشینی نیست که زندگی می‌کند و بیشتر با ابعاد متنوع حیات خود است که زیست می‌کند. این ابعاد متنوع حیات در «زمان» است که شکل می‌گیرد. پس «زمان» اهمیت می‌یابد. مساله «زمان» باعث می‌شود انسان تحت سيطرة مطلق سیستم توریک قرار نگیرد.

وقتی انسان را در بعد زمان مورد بررسی قرار می‌دهیم در واقع هر لحظه در میان گذشته و حال و آینده قرار داده می‌شود، یعنی با هر تحلیلی در مورد انسان ناگزیر باید این «بعد زمان» در نظر گرفته شود و البته این آن چیزی است که جهان پوزیتیویسم مانع از توجه آن است زیرا که در جهان پوزیتیویستی و تئوریک بعد زمان انسان نادیده گرفته می‌شود، در واقع ابعاد تاریخی او در نظر گرفته نمی‌شود، یعنی به گذشته و آینده انسان توجهی نمی‌شود. در واقع به وضع حال است که توجه بیشتری می‌کند. به عبارت دیگر به وضعیت «بود» انسان دقت می‌شود زیرا پدیده‌یی است عینی یا به «نمودها»ست که در گام نخست، عامل توقیف‌کننده روش نمودشناسانه نرزد فلسوفانی می‌شود که از انتزاعیات نهفته در فلسفه‌های نوکاتی آلمان یا فرانسه خسته شده‌اند. (ص ۶۰، تاریخ فلسفه در قرن بیستم، نوشته کریستیان دولاکامپانی)

به عبارت صریح‌تر اپوخه یا همان کاهش پدیدارشناسانه به آن معنی است که چگونه پدیده‌یی از بعد انتزاع و توریک خود رهایی پیدا می‌کند و در بعد اولیه یا خام خود قرار می‌گیرد. مساله اپوخه در پدیدارشناسی به قدری از نظر هوسرل اهمیت دارد که او آن را مساله مرگ و زندگی فلسفه در نظر می‌گیرد و تصریح می‌کند فقط یک رویکرد می‌تواند نقطه شروع فعالیت فلسفی باشد و پدیدارشناسی از آن شروع می‌کند و این نقطه اپوخه پدیدارشناسی است. بنابراین در پدیدارشناسی اشیا در بعد اولیه یا نخستین خود قرار می‌گیرند. قرار گرفتن در «بعد نخستین» منجر به ایجاد نگاه «نخستین» می‌شود. این «نگاه نخستین» به هستی یا نغنی عادت، تکرار و انتزاع صورت می‌گیرد. در واقع پدیدارشناسی در صدد است انسان را از بعد تئوریک غول‌آسای حاکم بر او نجات دهد و البته این کار را با نقد رادیکال علم و تکنولوژیی است که صورت می‌دهد. اینکه انسان اساساً با تئوری نیست که زندگی می‌کند و بالعکس اکثر اوقات با ابعاد حیات خود زیست می‌کند، به ناگزیر نفی اساسی دنیای تئوریکی است که به‌طور شتابان ابعاد آن وسیع‌تر می‌شود. به نظر می‌رسد انسان از نظر علم مدرن به عنوان یک شیء یا مثلاً شماره معین، موجودی کنشگر نیست، یعنی رفتارشی می‌تواند لاین پیشی باشد، بنابراین در یک محدوده معین رفتاری عمل می‌کند که مبتنی بر واکنشی شرطی است و همه‌چیز تحت کنترل و نظارت است و به‌اصطلاح همه‌چیز رومه‌راه است. حتی روانشناسی آزمایشگاه و انواع و اقسام مبدیشت، بوگا و تلقینات مثبت، ذهنی، جنگلی در همین رابطه است که ایجاد شده‌اند.

خبر

**استعاره در علم**

موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در ادامه نشست‌های هفتگی خود، نشست «استعاره در علم» را برگزار می‌کند. سخنران این نشست دکتر محمد خواجه پور است.
علاقه‌مندان می‌توانند یکشنبه ۲ تیر ۱۳۸۷، ساعت ۱۰ صبح به آدرس خیابان نوفل لوشاتو، خیابان آرکالیان، شماره ۶ مراجعه کنند.

۲۶ خرداد ماه ۱۳۸۷ - ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۲۹ - ۱۵ ژوئن ۲۰۰۸ - سال هفتم یکشنبه

**فراخوان نهایی آزمون دکترای مطالعات علم**

موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به اطلاع عموم علاقه‌مندان می‌رساند که آزمون دوره دکتری مطالعات علم (با تأکید ویژه بر فلسفه علم) در تاریخ ۲۱ تیرماه ۱۳۸۷ برگزار خواهد شد. آخرین مهلت تحویل مدارک (به شکل حضوری یا پستی) تا تاریخ دوشنبه ۱۰ تیر ۱۳۸۷ تمدید شده است.
علاقه‌مندان برای اطلاع از جزئیات آزمون و منابع آن و همچنین مدارک موردنیاز برای ثبت‌نام به آدرس اینترنتی بدیرخانه http://iripac.ir مراجعه کنند یا با شماره‌های زیر تماس حاصل کنند.
۶۶۴۰۹۵۰۸-۶۶۴۰۵۴۴۵-۶۶۴۱۹۶۰۵

۲۶ خرداد ماه ۱۳۸۷ - ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۲۹ - ۱۵ ژوئن ۲۰۰۸ - سال هفتم یکشنبه

**ژاک لاگان و نقد روانکاوی معاصر**

در حوزه نقد پسااستخارگر، تحلیل روانکاوی ژاک لاگان از جایگاه ویژه‌یی برخوردار است. لاگان از اندیشمندان برجسته پسااستخارگراست که با تأثیرپذیری از دیدگاه‌های سوسور و لوی استروس تحول شگرفی در روانکاوی معاصر ایجاد کرد.
نشست هفتگی شهر کتاب سه‌شنبه ۲۸ خرداد ساعت ۱۷ به سخنرانی دکتر شیده احمدزاده، استاد ادبیات انگلیسی دانشگاه شهیدبهشتی، درباره «ژاک لاگان و نقد روانکاوی معاصر» اختصاص دارد که ابتدا به مفاهیم کلیدی اندیشه لاگان اشاره می‌شود و سپس برای آشنایی بیشتر با کاربرد این مفاهیم در نقد روانکاوی لاگانی به تفسیر خود لاگان و بررسی نمونه‌یی سینمایی می‌پردازد.
از علاقه‌مندان دعوت می‌شود در این نشست شرکت کنند.

۲۶ خرداد ماه ۱۳۸۷ - ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۲۹ - ۱۵ ژوئن ۲۰۰۸ - سال هفتم یکشنبه

**دوره ویرایش در شهر کتاب**

شهر کتاب مرکزی دوره ویرایشی را در ۲۴ جلسه برگزار می‌کند.
علی صلح جو و هومن عباس‌پور مدرسان این دوره هستند که در دو بخش ویرایش پور (پیکره‌شناسی کتاب، رسم‌الخط، نشانه‌گذاری، پانویست، مآخذشناسی، نمایه‌سازی و . . .) و ویرایش زبانی (نکته‌های کاربردی در ویرایش، رایج‌ترین مسائل و مشکلات آوایی، املایی، واژگانی، نحو معانی، بلاغی و منطقی) ارائه می‌شود. این دوره در روزهای شنبه‌ایی می‌پردازد.
از ۹ تا ۱۳ تشکیل می‌شود.
آغاز دوره ۲۴ تیرماه است و علاقه‌مندان می‌توانند تا ۱۷ تیرماه برای ثبت‌نام به شهرکتاب مرکزی واقع در خیابان حافظ شمالی، نیش زرتشت شرقی، شهرکتاب، طبقه اول مراجعه کنند یا با شماره ۰۶۷۴۴۳۸۸۰ تماس بگیرند.
اولویت ثبت‌نام با اهل قلم، رسانه و استادان و دانشجویان است.

۲۶ خرداد ماه ۱۳۸۷ - ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۲۹ - ۱۵ ژوئن ۲۰۰۸ - سال هفتم یکشنبه

**«علوم میان‌رشته‌یی» برگزار می‌شود**

همایش «علوم میان‌رشته‌یی» از سوی پژوهشکده مطالعات فرهنگ و اجتماعی آبان‌ماه برگزار می‌شود.
به گزارش برگزاری رهم این همایش در سه محور برگزار می‌شود.
در محور «مبانی نظری علوم میان‌رشته‌یی» موضوعاتی نظیر تاریخچه، چیستی و فلسفه‌پیدایش علوم میان‌رشته‌یی، مبانی معرفت‌شناختی علوم میان‌رشته‌یی، رویکردهای روش‌شناختی علوم میان‌رشته‌یی، گونه‌شناسی علوم میان‌رشته‌یی، علوم میان‌رشته‌یی و علوم انسانی بررسی می‌شوند.
در محور «میان‌رشته‌یی‌ها و آموزش عالی» موضوعات جایگاه میان‌رشته‌یی‌ها در آموزش عالی دانشگاه‌های برتر جهان، علوم میان‌رشته‌یی و برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی، علوم میان‌رشته‌یی و برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی، الگوها و فنون نیازسنجی و امکان‌سنجی ایجاد علوم میان‌رشته‌یی، شیوه‌های طراحی، تدوین و اجرای رشته‌های میان‌رشته‌یی بررسی خواهند شد.
در محور «میان‌رشته‌یی‌ها و نظام آموزش عالی در ایران» نیز موضوعات علوم میان‌رشته‌یی، توسعه علمی، توسعه ملی؛ علوم میان‌رشته‌یی و سیاست‌ها و برنامه‌های کلان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، علوم میان‌رشته‌یی، وضعیت موجود و چشم‌انداز مطلوب، علوم میان‌رشته‌یی، کارآفرینی، سیاست‌های اشتغال، علوم میان‌رشته‌یی و سیاستگذاری فرهنگی و اجتماعی و آسیب‌شناسی رشته‌های میان‌رشته‌یی در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲۶ خرداد ماه ۱۳۸۷ - ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۲۹ - ۱۵ ژوئن ۲۰۰۸ - سال هفتم یکشنبه

**جمادی برگردان نظریات زبانشناسی آدورنورا آغاز کرد**

سیاوش جمادی ترجمه کتاب «تئوری زیبایی‌شناسی» تئودور آدورنورا آغاز کرد.
جمادی درباره این کتاب به خبرنگار مهر گفت: «تئوری زیبایی‌شناسی» یکی از دشوارترین آثار آدورنو در حوزه فلسفه به شمار می‌رود. این کتاب مشتمل بر متنی سرشار از اصطلاحات خاص است و دشوار است که نیاز به ترجمه‌یی دقیق در درازمدت دارد. جمادی به به تازگی ترجمه این کتاب را آغاز کرده، قرار است اوایل سال آینده آن را به نشر فرهنگستان هنر تحویل دهد.
از این مترجم همچنین کتابی با عنوان «چه باشد آنچه گویندیش تفکر» (مارتین هایدگر) زیر چاپ شده است. این اثر طی ماه‌های آتی از سوی نشر ققنوس وارد پیشخوان کتابفروشی‌های می‌شود. «هستی و زمان» (مارتین هایدگر) تازه‌ترین ترجمه جمادی است که اخیراً توسط نشر ققنوس در چاپ دوم رسیده است.